

عنوان:

آموزش کشاورزی کارآفرینانه؛ زیرساختی جهت اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی

نویسنده گان:

(۱) هستی فتوتی، (ukabed_63@yahoo.com)

دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین

(۲) مولودچرم‌زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین

(۳) دکتر مسعود برادران

استادیار دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین

چکیده:

از اهداف هر نوع آموزش می‌توان به تغییر در دانش، بینش و ایجاد و پرورش توانایی‌ها و مهارت‌ها در فراگیران اشاره نمود تا این تغییرات به بهبود زندگی فرد منجر شود. از جمله مباحث جدید در آموزش علوم مختلف کارآفرینی است. کارآفرینی را باید یکی از ضروریات عصر جدید دانست، عصری که به جامعه اطلاعاتی و هنگامه جهانی شدن موسوم است و دربردارنده پیامدهای مهمی همچون فراگیری فناوری‌های نوظهور، تغییر و تحولات شتابناک در عرصه مبادلات بشری و رقابت شدید و بی‌رحمانه در عالم کسب و کار است. کارآفرینی در کشاورزی به عنوان یکی از سه بخش اصلی اقتصادی در هر جامعه در کنار بخش صنعت و خدمات جایگاه ویژه‌ای دارد. و دربرگیرنده زندگی حداقل نیمی از جمعیت کشور و بخش تأمین کننده غذای جوامع بشری است. امروزه بیکاری دانش‌آموخته‌گان دانشگاهی به یکی از معضلات بزرگ در جامعه ما تبدیل شده‌است. که برخی از دلایل این پدیده را می‌توان سطح پایین آموزش‌ها و عدم آموزش و توسعه مهارت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زایی در نظام آموزش عالی کشور دانست. متأسفانه دانش‌آموختگان دانشگاهی در بخش کشاورزی وضعیتی بسیار نامطلوب‌تر نسبت به سایر رشته‌های دانشگاهی دارند از این رو آموزش کارآفرینانه کشاورزی مهم‌ترین تلاشی است که بستر لازم برای فراگیری دانش و مهارت‌های ضروری را برای افراد علاقه‌مند خصوصاً دانشجویان و دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی کشاورزی که جویای مشاغل خاص و چالش‌انگیز هستند فراهم می‌کند. هدف از مطالعه حاضر بررسی جایگاه و نقش آموزش کارآفرینی در بین دانشجویان کشاورزی به عنوان عاملی کلیدی در جهت مبارزه با معضل بیکاری فارغ‌التحصیلان این رشته می‌باشد.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، بیکاری، دانش‌آموختگان کشاورزی، تغییر و تحولات

مقدمه :

امروزه بیکاری در بسیاری از کشورهای جهان حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی به عنوان یک مشکل اساسی مطرح می‌باشد. حل این مشکل سیاستگذاران اغلب کشورها را با چالش‌های بزرگی روبرو کرده‌است. به گونه‌ای که می‌توان گفت ثبات و زوال برخی از دولت‌ها در گرو حل بحران بیکاری است (رضازاده، ۱۳۸۱). پیامدهای این بحران، گسترش فقر و افزایش دیگر آسیب‌های اجتماعی از قبیل: دزدی، فحشا، اعتیاد و امثال آن است. این بحران به عنوان یک معضل، تمامی جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه را به شدت متأثر می‌کند و گاهی اثرات غیرقابل جبرانی نیز به جای می‌گذارد. تجربه ثابت کرده‌است که این بحران و پیامدهای آن نه راه‌حل‌های فوری و ایدئولوژیک و اخلاقی دارد و نه محو همه جانبه، یکپارچه و کوتاه‌مدت آن امکان‌پذیر است. بسیاری از کشورها از جمله راه‌حل‌های برون‌رفت از این بحران را کارآفرینی می‌دانند. از سوی دیگر تجارب کشورهای مختلف دنیا اعم از توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته نیز نشان‌دهنده آن است که بهترین گزینه برای آماده نمودن فراگیران نظام‌های آموزشی جهت اشتغال در بازار کار، خوداشتغالی و آموزش کارآفرینی می‌باشد. البته کارآفرینی چیزی بیش از ایجاد کسب‌وکار است. اما ویژگی‌های مربوط به کارآفرینی نظیر استفاده از فرصت‌ها استقلال‌طلبی، خطرپذیری، پشتکار و غیره باعث شده‌است که کارآفرینی به راه‌حلی کارآمد برای مبارزه با بحران بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی تبدیل شود (صالحی و برادران، ۱۳۸۵). از این رو آموزش عالی کشاورزی با بیشترین دانشجو نسبت به سایر رشته‌ها و بالاترین نرخ بیکاری می‌بایست در اولویت برنامه‌های آموزش و توسعه کارآفرینی قرار گیرد (عزیزی و حسینی، ۱۳۸۵). بنابراین یکی از چالش‌های اساسی و عمده آموزش عالی ایران در بخش کشاورزی، آموزش کارآفرینی در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان آن خواهد بود. همچنین برای سوق دادن دانشجویان به این سمت و تربیت افراد کارآفرین در آینده، آموزش برخی ویژگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی ضروری به نظر می‌رسد. از سویی دیگر بخش کشاورزی یکی از بخش‌های اقتصادی مهم است که، به رغم فراهم نبودن برخی الزامات پایه‌ای، با توجه به شرایط موجود جهانی ناگزیر باید برای مقابله با چالش اشتغال در کشور از آن مدد گرفت (مقیمی، ۱۳۸۱).

تعاریف و مفاهیم کارآفرینی:

امروزه ادبیات وسیع و غنی در زمینه کارآفرینی وجود دارد. و به خاطر ماهیت میان رشته‌ای آن محققان مختلف در زمینه‌های گوناگون آن را مورد بحث قرار می‌دهند. به دلیل همین ماهیت بین رشته‌ای، تعریف واحد و یکسانی از آن که مورد توافق همه باشد وجود ندارد. به طوری که امروزه به اندازه تمام مطالعات مرتبط با کارآفرینی، تعریف مفهومی و کارکردی از آن وجود دارد. مطابق واژه‌نامه دانشگاهی وبستر^۱ کارآفرین کسی است که متعهد شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را تقبل کرده آن را سازماندهی کند. کارآفرینی روشی است برای انجام دادن کسب و کار به شیوه‌ای مبتکرانه، با تمرکز بر مشتری و پذیرفتن خطرهای حساب شده (جهانیان، ۱۳۸۴). یک تعریف بسیار ساده از کارآفرینی عبارت است از فرایند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها (احمدپور داریانی، ۱۳۷۸).

¹ - Webster

² - Entrepreneurship

تعریفی از کارآفرینی که تقریباً شامل همه تعریف‌های ارائه شده از آن باشد، عبارت است از: فرایندی که فرد کارآفرین با ایده‌های نو و خلاق و شناسایی فرصت‌های جدید و با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد کسب و کار و شرکت‌های نو، سازمان‌های جدید و نوآور و رشد یابنده نموده که توأم با پذیرش مخاطره و خطر است و منجر به معرفی محصول یا خدمت جدیدی به جامعه می‌گردد (صالحی و برادران، ۱۳۸۵).

در مجموع باید اظهار داشت که برای واژه‌های کارآفرین و کارآفرینی دامنه وسیعی از تعریف‌های مختلف وجود دارد. همچنین به نظر می‌رسد که ارائه یک تعریف واحد که بتوان از آن به عنوان تعریف صحیح نام برد، وجود ندارد.

آموزش کارآفرینی:

برخی اندیشمندان و صاحب‌نظران که در زمینه کارآفرینی پژوهش کرده‌اند، بر این باورند که کارآفرینی قابل آموزش نیست. به بیانی دیگر، آن‌ها می‌گویند کارآفرینی ذاتی است نه اکتسابی. اما در نقطه‌مقابل نظر این گروه از اندیشمندان، بسیاری دیگر بر این باورند که کارآفرینی را می‌توان آموزش داد و در جامعه رواج داد. امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین فعالیت‌های دانشگاه‌ها تبدیل شده است (حسینی و خسروی‌پور، ۱۳۸۵). گپ در اوایل دهه ۱۹۹۰ مشاهده کرد که فعالیت‌های بسیاری در سراسر جهان در ارتباط با آنچه که در سطح وسیع به عنوان حوزه آموزش کارآفرینی و دادوستد در مدارس و دانشگاه‌ها نامیده می‌شد، انجام شده است. این فعالیت‌ها و مطالعات نشان می‌دهند که در ادبیات آموزش کارآفرینی، نیاز به شفاف‌سازی و روشن‌سازی مفاهیم و تفاوت قائل شدن بین کارآفرینی، دادوستد و آموزش مدیریت کسب و کارهای کوچک وجود دارد. آموزش کارآفرینی در مورد تمامی رشته‌ها در محیط‌های دانشگاهی رواج زیادی پیدا کرده است و روز به روز تحقیقات در این زمینه در حال افزایش است (حسینی و یعقوبی، ۱۳۸۵).

به طور کلی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها و محیط‌های آموزشی بر برنامه‌ریزی، تدریس در شرایط واقعی، اهداف آموزش و تدریس، فرایند تدریس و بازخوردهای آن تأکید می‌کند و حتی تئوری‌های مناسب تدریس و آموزش نیز از این طریق گسترش می‌یابد. آموزش کارآفرینی به‌عنوان جزئی از اقتصاد ملی در چارچوب ساختار صنعتی و کشاورزی محیط و کنش بین مراکز آموزشی و گروه‌های ذینفع از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین از لحاظ تجربی ثابت شده است که فراگیرنده در محیط خارج کلاس به‌طور مناسب‌تری یاد می‌گیرد که این مسأله خود به‌عنوان چالشی اساسی پیش‌روی مدرسین کارآفرینی قرار دارد (زمانی و همکاران، ۱۳۸۵).

دوره‌های آموزش کارآفرینی به لحاظ هدف، به ۵ دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:

- ۱- برنامه‌های افزایش‌دهنده آگاهی و دانش و گرایش و جهت‌گیری به سوی کارآفرینی در فراگیران (تغییر دانشی و بینشی)؛
- ۲- برنامه‌های تشویق‌کننده و حمایت‌کننده توسعه تأسیس شرکت‌ها و کسب و کارهای جدید؛
- ۳- دوره‌های پوشش‌دهنده رشد و بقای کارآفرینان و کسب و کارهای کوچک در حال فعالیت؛
- ۴- برنامه‌های توسعه آموزشی کارآفرینی (شامل روش‌های جدید آموزشی و تعیین نقش‌های نوین دانشجوی و استاد در فرآیند آموزش کارآفرینی)؛
- ۵- برنامه‌های توسعه تحقیق در کارآفرینی و آموزش کارآفرینی (انتشارکتب، مجلات، مقالات، برگزاری سمینارها، کارگاه‌های آموزشی و ...) (صالحی و برادران، ۱۳۸۵).

اهداف آموزش کارآفرینی

الف) کسب دانش مربوط به کارآفرینی: دانش بسیاری را می‌توان از طریق آموزش کارآفرینی در زمینه‌هایی همچون تعریف کارآفرین، کارآفرینی، تاریخچه کارآفرینی، ویژگی‌های افراد کارآفرین، سیر نظری مباحث کارآفرینی، مزایای کارآفرینی و زندگی‌نامه کارآفرینان بزرگ کسب کرد.

ب) حل مشکلات اشتغال و بهبود بهره‌وری: از آن جا که از یک سو، کشاورزی دیگر کمتر می‌تواند اشتغال‌زا باشد و از سوی دیگر فراگیری و ورود به کارهای سودآور نیز برای همه میسر نیست، به نظر می‌رسد آموزش کارآفرینی راه‌حل مطلوبی برای حل مشکلات اشتغال و بهره‌وری است. در این زمینه افراد بسیاری که در نقاط جغرافیایی متعددی پراکنده هستند باید آموزش ببینند که این کار به طور معمول از طریق اینترنت، آموزش مجازی و از راه دور و توسط مؤسسات کارآفرینی صورت می‌گیرد. برای مثال، مؤسسه اینگ نو در هند در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد و آموزش دروس مربوط به کارآفرینی و مدیریت مؤسسات کوچک نیز بر عهده یکی از کمیته‌های آن قرار گرفت.

ج) شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت‌های کارآفرینانه: ایجاد و تقویت ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینانه نیازمند شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت‌های آن است. این هدف به طور عمده در قالب سیاست‌ها و برنامه‌های تشویقی، ترویجی و آموزشی پیگیری می‌شود.

د) القای مخاطره‌پذیری با استفاده از فنون تحلیلی: برای کارآفرینی باید شجاعتی زیرکانه داشت که خود متکی به دو عامل یکی اعتماد به نفس (برای آموختن چیزهایی که نمی‌دانیم) و دیگری شجاعت (برای رویایی با شکست یا پذیرش مخاطره) است.

ه) تجدید نگرش‌ها در جهت پذیرش تغییر: کارآفرینی یکی از عواملی است که سبب رشد و توسعه اقتصادی کشورها در عصر حاضر می‌شود. این نقش کلیدی کارآفرینی بیش از هر چیز معطوف به قبول انعطاف ساختارهای سازمانی و اعمال استراتژی‌های تغییر و تحول مستمر و پویا در سیستم‌ها، فرایندها و در نهایت کالاها و خدمات است (شفیع زاده، ۱۳۸۶).

اهداف و راهبردهای کارآفرینی در نظام آموزشی کشور

در ایران تا شروع برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی توجهی به کارآفرینی نشده بود. اما در این برنامه به دلیل وجود بیکاری گسترده، به‌ویژه در بین جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و پیش‌بینی تشدید این معضل در دهه ۱۳۸۰، کارآفرینی مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس برنامه پنج ساله سوم توسعه، بر کارآفرینی و کارآمدی دانشجویان و دانش‌آموختگان از طریق تحول در برنامه‌ها و شیوه‌های آموزشی تأکید شده است. بنابراین، به منظور توسعه و ارتقای سطح کارآفرینی، خصوصاً ابعاد آموزشی و پرورشی دانشجویان و دانش‌آموختگان مقاطع مختلف تحصیل و فراهم آوردن مشارکت هرچه بیشتر دانشگاهیان در توسعه کشور، آیین‌نامه طرح توسعه کارآفرین در دانشگاه‌های کشور تهیه و برای اجرا به دانشگاه‌ها ابلاغ شد (جهانپان، ۱۳۸۴).

براساس آیین‌نامه کاراد (۱۳۸۱) اهداف توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور به منظور ترویج، پژوهش و آموزش و پرورش کارآفرینان به شرح زیر است:

- ۱- ترویج، ترغیب و ارتقای روحیه و فرهنگ کارآفرینی و تلاش در جامعه دانشگاهی.
- ۲- ترغیب و جذب جامعه دانشگاهی به آموزش دوره‌های کارآفرینی.
- ۳- گسترش تحقیقات تفصیلی در خصوص کارآفرینان، طرح‌های کارآفرینی، محیط و فضای کارآفرین و سایر زمینه‌های مرتبط با توجه به شرایط و مقتضیات ایران.
- ۴- آگاه‌سازی جامعه دانشگاهی در مورد کارآفرینی، کارآفرینان و نقش آن‌ها در رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال و رفاه.

به منظور دستیابی به اهداف فوق، راهبردهای زیر در قالب طرح‌ها و فعالیت‌ها دنبال می‌شود:

- ۱- برنامه‌ریزی محتوای آموزشی، تربیت استادان آموزش کارآفرینی، ارایه آموزش‌های کارآفرینی.
- ۲- شناسایی، انتخاب و تشویق کارآفرینان برگزیده سال و برگزاری جشنواره کارآفرینی.
- ۳- انتقال دانش و دستاوردهای تحقیقاتی مرتبط با کارآفرینی از خارج به داخل کشور.
- ۴- بسترسازی و حمایت‌های مالی، اطلاعاتی و مشاوره‌ای مناسب در جهت انجام فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان.
- ۵- کمک به ایجاد پارک‌های علمی و مراکز رشد (انکوباتورها) در دانشگاه‌ها.
- ۶- کمک به رفع موانع و محدودیت‌های قانونی، فرهنگی، سیاسی، اداری و مالی توسعه کارآفرینی (انصاری و غفارزاده، ۱۳۸۴).

سابقه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی:

در دنیای امروز نیاز به کارآفرینی و آموزش آن در دانشجویان و در محیط‌های دانشگاهی به یکی از اساسی‌ترین اهداف دانشگاه‌ها تبدیل شده است. طی دهه ۱۹۸۰، دانشگاه‌ها بر حسب ویژگی گروه‌های تحت آموزش و نیازهای محلی، منطقه‌ای و ملی برنامه‌های آموزشی متعددی را برای سازمان‌های خصوصی و عمومی طراحی نموده‌اند. دولت‌های اروپایی نیز حمایت‌های ویژه‌ای را از فعالیت‌هایی که جهت تشویق کارآفرینی بین جوانان می‌شود، ایجاد کرده‌اند (احمدپورداریانی، ۱۳۸۲).

دوره‌های آموزش کارآفرینی نه تنها جای خود را در بستر دروس دانشگاهی و در رشته‌های مختلف باز نموده، بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان مورد توجه قرار گرفته است. امروزه تنوع این دوره‌ها، شرکت‌های موجود را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد و دوره‌های متعددی جهت رشد، بقاء و کارآفرین نمودن افراد متکی به نفس و آگاه به فرصت‌ها و به‌طورکلی افرادی که تمایل بیشتری به راه اندازی کسب و کارهای مستقل دارند برگزار شده است (کاتن، ۱۹۹۰). در واقع هدف این بوده تا افراد در طی دوران تحصیل، افرادی «مؤسس» تربیت شوند. این افراد شامل پیش‌روان در فعالیت‌ها، ماجراجویان، جسوران، مبتکران، فرصت‌طلبان، ارتقاجویان و اشتغال‌زایان می‌باشند (عزیزی و حسینی، ۱۳۸۵).

بر اساس مطالعات انجام شده در آمریکا تعداد دانشکده‌هایی که دوره‌های کارآفرینی را در برنامه‌های آموزشی خود گنجانده بودند از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۷۸ به بیش از ۱۳۰ دانشکده رسیده بود و در سال ۱۹۸۰ تعداد آن‌ها به ۱۶۳ دانشکده افزایش یافت. بیشترین مقدار این افزایش مربوط به دانشکده‌های چهارساله مدیریت بازرگانی بوده است، اما تعدادی از دانشکده‌های مهندسی و مؤسسات پیش‌دانشگاهی نیز در همین مدت شروع به تدریس کارآفرینی کرده بودند. در نظام آموزش عالی کشاورزی نیز کارآفرینی و آموزش آن یکی از مهمترین جنبه‌ها می‌باشد. در واقع نیاز به آموزش و توسعه

کارآفرینی در بخش کشاورزی از سال‌ها پیش از دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفته‌است. پترین در سال (۱۹۹۴) بیان کرده‌است که در ارتباط با نقش کارآفرینی در توسعه‌روستایی و کشاورزی از یک طرف مشکلات مربوط به اشتغال و بیکاری در محیط‌های روستایی و از سوی دیگر لزوم حرکت در جهت کشاورزی رقابتی و مبتنی بر بازار و استفاده از پتانسیل‌های خام بخش کشاورزی مطرح می‌گردد. بنابراین در صورت آموزش کارآفرینی در محیط‌های دانشگاهی بسیاری از نیازهای بخش کشاورزی و موانع و مشکلات آن برطرف خواهد شد.

کارآفرینی و کشاورزی

هرچند توسعه کارآفرینی و آموزش آن اغلب در زمینه‌های صنعتی و خدماتی است، اما بخش کشاورزی نیز در این زمینه نقش خود را دارد. توسعه کارآفرینی در کشاورزی، یکی از فعالیت‌های مهم و ضروری در این راستا می‌باشد. بدون حضور کارآفرینان و تسهیل فرایند کارآفرینی تعداد زیادی از فعالیت‌های کشاورزی ممکن است در رقابت جهانی تعطیل یا به حاشیه رانده شوند و از سوی دیگر استعدادهای فراوان کشاورزی فرصت مناسبی است تا کارآفرینان آن‌ها را جهانی کرده، شکوفایی و استحکام اقتصادی کشور را باعث شوند (ضیایی، ۱۳۸۵). از سویی دیگر، کارآفرینی می‌تواند بر کاهش سطح فقر و افزایش درآمد روستاییان مؤثر باشد. کارآفرینی همچنین با برخی شرایط کشاورزی ایران تناسب و سازگاری دارد. از جمله این که اغلب واحدهای بهره‌برداری کشاورزی ایران کوچک هستند و این موضوع با توسعه کارآفرینی که بر صاحبان واحدهای کوچک تجاری تأکید می‌کند، تناسب دارد (ضیایی، ۱۳۸۳). بنابراین آموزش مهارت‌های کارآفرینی و یا به بیانی دیگر آموزش کشاورزی کارآفرینی قادر است کشاورزی و زمینه‌های مرتبط به آن را در مسیر توسعه و بالندگی قرار دهد.

از سوی دیگر تغییرات صورت گرفته در بازار (جهانی‌شدن، رشد جمعیت، رقابتی‌شدن شدید بازار و امنیت غذایی)، سیاست‌های کشاورزی (فائو، اتحادیه اروپا و غیره) و خود جامعه (افزایش بیکاری و کم‌کاری، مباحث زیست‌محیطی، تنوع زیستی و منابع طبیعی) از عواملی هستند که ضرورت کارآفرینی و آموزش آن را بیش از پیش نمایان می‌سازند (اسمیت، ۲۰۰۴).

سیاستگذاران و متخصصان کشاورزی معتقدند که به خاطر تحولات فوق، یک دگرگونی ساختاری در شیوه‌های کنونی تولید کشاورزی لازم بوده و کشاورزی مبتنی بر بازار در چارچوب توسعه پایدار، استراتژی اساسی توسعه کشاورزی خواهد بود. در واقع دلایل نیاز به توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی همان‌هایی هستند که در مورد سایر بخش‌های اقتصادی مورد تأکید قرار می‌گیرد. مثلاً می‌توان گفت به منظور دوام و پایداری در دنیای متغیر و بویژه محیط کسب و کار متغیر و غیرقابل پیش‌بینی امروز، نیاز به راه‌حل‌های خلاقانه‌ای جهت تداوم و رشد کسب و کار می‌باشد که یافتن این راه‌ها جز با آموزش مهارت‌های کارآفرینی حاصل نخواهد شد (حسینی و اسکندری، ۱۳۸۵).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که کارآفرینی در کشاورزی به معنای به کارگیری خلاقیت و نوآوری در فعالیت‌های کشاورزی می‌باشد و آموزش ویژگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی و یا به بیان دیگر آموزش کشاورزی کارآفرینانه قادر است کشاورزی و زمینه‌های مرتبط به آن را در مسیر توسعه و بالندگی روزافزون قرار دهد.

آموزش و توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی

تغییر در وضعیت و شرایط کشاورزی در سطح بین‌المللی، مدیران و صاحبان صنایع و شرکت‌های فعال در زمینه کشاورزی را ملزم می‌کند تا به منظور دوام، رقابت و رشد در بازار به طریق متفاوت‌تری نسبت به گذشته فکر و عمل کنند. در حقیقت کشاورزان امروزی و دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی می‌باید دیدگاه و نقش خود را از یک تولیدکننده صرف کشاورزی و یا یک مصرف‌کننده محض دانش تئوری کشاورزی، به یک کارآفرین کشاورزی با ذهنی خلاق و ایده‌پردازی نو تبدیل کند (عزیزی و حسینی، ۱۳۸۵). تغییرات متعددی که در طول دهه گذشته در بخش کشاورزی رخ داده‌است، نظام آموزش عالی کشاورزی را با چالش‌های جدیدی روبرو کرده‌است. از جمله این چالش‌ها، چگونگی تلفیق کارآفرینی در برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات‌رسانی دانشگاه‌های کشاورزی است. آموزش عالی کشاورزی می‌تواند با طراحی دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری کارآفرینی اقدام به تربیت نیروهای کارآفرین در زمینه کشاورزی نماید. و همچنین در سطح کارشناسی و کاردانی نیز گنجانیدن دروسی با سرفصل‌های مرتبط با کارآفرینی و خلاقیت، دانشجویان را با مفاهیم مربوط به کارآفرینی و مهارت کسب و کار آشنا نماید. طی این دوره‌ها و گذراندن این دروس در آموزش عالی با توسعه و پرورش خصیصه‌های کارآفرینانه و نیز با افزایش توانایی مدیریتی و کارآفرینانه دانشجویان باعث افزایش عرصه‌های کسب و کار و بهبود و ارتقاء آینده شغلی آن‌ها می‌شود (شاه‌حسینی، ۱۳۸۳).

در همین راستا آموزش عالی می‌تواند با توجه به نیاز بازار کار کشاورزی به افراد متخصص که دانش مدیریتی و کارآفرینی دارند، اقدام به طراحی دروسی در زمینه‌های مختلف ولی مرتبط با کارآفرینی برای رشته‌های کشاورزی نماید. آموزش عالی می‌تواند حول محورهای ارزیابی فرصت‌ها، شناسایی بازار و ارزیابی و تحلیل ریسک و پاداش متمرکز شده و موجبات ارتقاء سطح کیفیت چنین بازارهایی را فراهم آورد (اسکندری، ۱۳۸۳). گرچه طراحی درس و فعالیت در زمینه آموزش درس کارآفرینی در قالب طرح کاراد در تعدادی از دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشاورزی کشور شروع شده‌است ولی هم از بعد کمی و هم از بعد کیفی از یک سو نیاز به ارزیابی، بازنگری و از سویی دیگر گسترش در تمام دانشگاه‌ها را می‌طلبد (حسینی و خسروی‌پور، ۱۳۸۵).

از این رو با توجه به مطالب گفته شده برای تلفیق آموزش و توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی انجام اقدامات ذیل ضروری است:

الف) از طریق برنامه‌های متعدد سعی شود که ذهن و گرایش دانشجویان نسبت به تجارت و کسب و کار کارآفرینانه جلب شود، از جمله این برنامه‌ها می‌تواند جلسات آشنایی و بازدید از کارآفرینان موفق، شیوه زندگی کارآفرینان، کارهایی که کارآفرینان می‌کنند، مطالعات موردی در مورد کارآفرینان موفق بخش کشاورزی، آشنایی با بازارهای مرتبط با محصولات کشاورزی، دوره‌های آموزش خلاقیت و نوآوری، نحوه ایده‌یابی، نمایش فیلم در مورد کارآفرینان و سایر برنامه‌ها باشد که هدف عمده آن‌ها اثرگذاری بر روی نگرش، بینش و گرایش دانشجویان است.

ب) هر یک از رشته‌های تخصصی کشاورزی اقدام به برگزاری برنامه‌های آموزش نظری و عملی در زمینه فرصت‌های تجاری مرتبط با رشته خود و نحوه نگارش و آماده‌سازی یک طرح تجاری در زمینه رشته خود نمایند.

ج) عمده تمرکز بر روی یکپارچه‌سازی و تلفیق برنامه‌های آموزشی اجرا شده در درون سیستم قبلی نظام آموزش کشاورزی و نحوه هماهنگی و یکپارچه‌سازی رشته‌های مختلف متمرکز می‌گردد و عناصر مختلف فرایند کارآفرینی شامل ایده‌یابی، تبدیل ایده به طرح تجاری، تهیه منابع لازم و اجرای طرح به صورت آزمایش و آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرد.

د) تلفیق آموزش کارآفرینی در درون آموزش کشاورزی، روش‌های تدریس متعددی که بایستی در جهت اجرای بهینه برنامه آموزش کارآفرینی به کار گرفته شود، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد (عزیزی و حسینی، ۱۳۸۵). بنابراین با گنجاندن آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی، دانشجویان ما با اندیشه‌های کارآفرینانه تربیت می‌شوند که در نهایت این امر منجر به پرورش دانش‌آموختگانی خلاق، توانا و مبتکر می‌شود که متناسب با نیازهای بازار کار رشته‌های کشاورزی آموزش دیده‌اند و توانایی خوداشتغالی و اشتغال‌زایی سودآور را برای خود و تعدادی دیگر از فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها را دارند.

موانع آموزش عالی کشاورزی در تربیت فارغ‌التحصیلان کارآفرین

با توجه به مباحث مطرح شده، اهمیت کارآفرینی و تربیت فارغ‌التحصیلان کشاورزی کارآفرین مشخص می‌شود. سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که موانع تربیت فارغ‌التحصیلان کارآفرین در آموزش عالی کشور ما کدامند؟ برای پاسخ به این سؤال توجه به تاریخچه شروع آموزش کشاورزی در ایران می‌تواند راه‌گشا باشد. با بررسی نحوه شروع آموزش عالی کشاورزی در ایران مشخص می‌شود که سیستم فعلی آموزش عالی از خارج وارد شده و در واقع آموزش عالی کشاورزی با ساختار فعلی از غرب وارد کشور شده، لذا رابطه مناسبی بین محیط واقعی روستاها و بخش کشاورزی کشور با آموزش عالی وجود ندارد. این موضوع از موانع اصلی در نزدیک نمودن محتوا و ماهیت آموزش عالی به شرایط واقعی محیط روستا و کشاورزی را موجب شده است (حسینی، ۱۳۸۴).

مانع عمده دیگر فاصله جغرافیایی ایجاد شده بین محیط آموزش و محیط واقعی کشاورزی است که خود به خود منجر به ایجاد موانع دیگری در زمینه ارتباط دانشجویان و دانش‌آموختگان کشاورزی با کسب و کارهای کشاورزی می‌گردد (حسینی و یعقوبی، ۱۳۸۵). بنابراین این موانع بر سر راه تربیت فارغ‌التحصیلان کشاورزی کارآفرین و نوآور وجود دارد که امید است با گرایش نظام آموزش عالی کشاورزی به آموزش‌های کارآفرینانه، و پرداختن به آموزش مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان این موانع را از سر راه بردارد و به تقویت نظام آموزش عالی کارآفرین کمک کند.

نتیجه‌گیری و راهکار:

واقعیت این است که یکی از چالش‌های امروز آموزش عالی کشاورزی، آموزش کارآفرینی است. در رابطه با اشتغال‌زایی و نیز توسعه کارآفرینی در حوزه کشاورزی، دانشگاه و کلاً نظام آموزش عالی یکی از مهمترین ارکان می‌باشد، ولی می‌بایست این جزء را همراه با بخش کشاورزی و مسائل و مشکلات مطرح در آن مورد بررسی و ارزیابی قرار داد زیرا بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های کشاورزی کشور و نیز محدودیت‌ها و مسائل مرتبط با آن نمی‌توان در زمینه فعالیت‌های آموزشی دانشگاه در جهت بهبود فرایند کارآفرینی کشاورزی به یک جمع‌بندی صحیح رسید. از سوی دیگر توجه به این نکته که آیا دانشگاه‌های کشاورزی با وجود هنجارهای موجود و جریان فکری حاکم بر آنها می‌توانند چنین برنامه‌هایی را پیاده کنند یا خیر، مشخص نیست. بایستی کاملاً مراقب بود تا دستورالعمل‌های گنجانیدن آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی، کاملاً بررسی و مطالعه گردیده و به نحوی انجام شوند که اثرات لازم را داشته باشد.

بنابراین باید از طریق مطالعه محیط پیرامون دانشگاه و محیط واقعی کسب و کار کارآفرینانه و با در نظر گرفتن توانایی‌ها و امکانات موجود یک برنامه آموزش کارآفرینی همه جانبه را طراحی و اجرا نمود. علاوه بر این مطالب، محیط فرهنگی و اجتماعی جامعه نیز دارای اهمیت زیادی است که هم بر بخش کشاورزی و هم نظام آموزش عالی تأثیرگذار است. از این رو

می‌توان گفت که برای احیا و گسترش فرهنگ کارآفرینی و آموزش آن برای اشتغال‌زایی دانشجویان کشاورزی علاوه بر نظام آموزشی، می‌بایست تمامی قسمت‌های مرتبط با جامعه و به ویژه رسانه‌های ارتباط‌جمعی، در اقدامی هماهنگ و برنامه‌ریزی شده درصدد تحقق این مهم بشتابند.

در زمینه راهکارهای عملی بحث، از آن‌جا که در آموزش‌های عالی کشاورزی با فراگیری سروکار داریم که از بسیاری از جنبه‌ها تقریباً به بلوغ رسیده‌اند و توانایی انجام بسیاری از فعالیت‌ها را دارند علاوه بر آموزش مهارت‌ها و ویژگی‌های کارآفرینی در دوره‌های کارآفرینی مواردی به شرح ذیل مطرح می‌شود:

- اجرای بحث‌های کلاسی و انجام فعالیت‌ها به صورت گروهی
- فراهم آوردن فرصت مشاوره با کارآفرینان کشاورزی مشغول به کار
- شبیه‌سازی رایانه‌ای و رفتاری از فعالیت‌های کارآفرینی کشاورزی
- تخصص در مهارت‌های مربوط به خوداشتغالی و اشتغال‌زایی
- برگزاری سمینارها، دوره‌ها و کارگاه‌های ویژه کارآفرینی در کشاورزی
- دعوت از نمونه‌های موفق فارغ‌التحصیلان کارآفرین و الگو قراردادن آن‌ها برای ایجاد انگیزه و نگرش مثبت در دانشجویان رشته‌های کشاورزی
- تشکیل کمیته‌ای در دانشگاه برای مشورت و تبادل نظر با دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در زمینه مشکلات آن‌ها برای ورود به بازار کار و فعالیت اقتصادی و آشنا کردن آن‌ها از این فعالیت‌ها و نحوه انجام آن‌ها
- توجه کافی به آموزش مدیران و آموزشگران در زمینه اهمیت کارآفرینی، شیوه‌های تدریس و آموزش

فهرست منابع:

- ۱- احمدپور داریانی، م (۱۳۷۸). «کارآفرینی: تعاریف، نظریات و الگوها». تهران: شرکت پردیس، ۵۷
- ۲- احمدپور داریانی، م (۱۳۸۲). «آیا کارآفرینی راهبرد دانشگاهها را تغییر می‌دهد؟». رهیافت، شماره ۲۹، صص (۱۵-۲۶).
- ۳- اسکندری، ف (۱۳۸۳). «بررسی و تبیین راهکارهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران»، رساله دکتری در رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۴- انصاری، م و غفارزاده، الف (۱۳۸۴). تحقیقات کاربردی بستر مناسب کارآفرینی (ارائه یک مدل مناسب). مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دهم اسفند ۱۳۸۴، صص ۹۱-۱۱۰.
- ۵- حسینی، م و خسروی‌پور، ب (۱۳۸۵). کارآفرینی: سیر تحول مفاهیم و دیدگاه‌ها و نقش و اهمیت آموزش در کارآفرینی. مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی. ۱۱ و ۱۰ آبان، ۱۳۸۵
- ۶- حسینی، م و یعقوبی، ج. (۱۳۸۵). بررسی موانع تحقق کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی و راهکارهای تقویت آن. مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور. جلد اول. ۱۰ و ۱۱ آبان ۱۳۸۵. دانشگاه تربیت مدرس. صص. ۳۰۶-۲۹۹.
- ۷- حسینی، م. (۱۳۸۴). آموزش کشاورزی کارآفرینانه. جزوه درسی دوره دکتری آموزش کشاورزی. تهران: دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.
- ۸- رضازاده، ح؛ شیخان، ن و احمدپور داریانی، م (۱۳۸۱). «کارآفرینی در آلمان». ماهنامه تخصصی بازاریابی، شماره ۲۲، صص (۵۸-۶۰).

- ۹- زمانی، م و آجیلی، ع. (۱۳۸۵). نهادینه کردن کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی. مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور. جلد اول. ۱۰ و ۱۱ آبان ۱۳۸۵. دانشگاه تربیت مدرس. ۳۴۳-۳۵۶.
- ۱۰- شاه‌حسینی، ع. (۱۳۸۳). کارآفرینی. تهران، آپیز، چاپ اول.
- ۱۱- شفیعی زاده، حمید. (۱۳۸۶). آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی. ۶ اسفند ۱۳۸۶. سمینار: دانشکده علوم انسانی. ۱۳۸۶. صص. ۷۱-۵۷.
- ۱۲- صالحی، س و برادران، م. (۱۳۸۵). راهکارهای بکارگیری کارآفرینی در آموزش کشاورزی. جهاد، شماره ۲۷۴، آذر و دی ماه ۱۳۸۵.
- ۱۳- ضیایی، م. (۱۳۸۵). آموزش کارآفرینی در آموزش‌های کشاورزی چرا و چگونه؟ مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور. جلد اول. ۱۰ و ۱۱ آبان ۱۳۸۵. دانشگاه تربیت مدرس. ۳۶۹-۳۷۹.
- ۱۴- ضیایی، م. (۱۳۸۳). تعیین اهداف آموزش‌های علمی - کاربردی با توجه به نقش کلیدی کارآفرینی. پنجمین همایش آموزش‌های علمی - کاربردی مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی جهاد کشاورزی
- ۱۵- عزیزی، ب و حسینی، م. (۱۳۸۵). نقش آموزش و توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی. جهاد، شماره ۲۷۴، آذر و دی ماه، ۱۳۸۵.
- ۱۶- مقیمی، ف (۱۳۸۱) «کارآفرینی» گاهنامه مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی سازمان سنجش آموزش کشور. شماره سوم، ص ۷.

17- Cotton, J. (1990). "Enterprise Education Experience, A Manual for School - Based In - Service Training", CASDEC, P. 147.

18- Petrin, T. (1994). Entrepreneurship as an economics force in rural development. Keynote paper presented at the seventh FAO/REU international rural development summer school.

19- Smith, A. B. (2004). Changing External Conditions Require High Levels of Entrepreneurship in Agriculture. Agriculture Economics Research institute, the Netherlands

Entrepreneurial Agricultural Education An Infrastructure for Agricultural Graduates Employment

Hasti Fotouhi, Moloud Choromzadeh, and Masoud Baradaran

Abstract

Goals of any kind of education can bring about change in knowledge, attitude, ability and skills in learners, leading to improve individual life. In discussions on the new science education, entrepreneurship is assumed as one of the necessities in which, information society and globalization are remarked for the modern age. This has important consequences like learning technology newfangled precipitous changes and developments in the field of human exchanges and severe and brutal competition in the world of business. Entrepreneurship in agriculture, as one of the three main economic sectors, deserves a critical niche next to industry and service sectors. It secures at least half the population lives of our country and serves for supplying foodstuff of human societies. Today, unemployment has become a crucial challenge suffering the majority of the Iranian university graduates. Some of the reasons underlying this phenomenon can be low level of education and training and development of entrepreneurial skills and employment opportunities provided by the high education system of the country. Unfortunately, agricultural graduates suffer a very undesirable situation compared to other fields. Therefore, educating agribusiness entrepreneurship seems the most important effort in creating enabling bed for interested individuals and especially agricultural students and graduates seeking special and challenging jobs. The aim of the present study is to investigate the position and role of entrepreneurial training process in agricultural fields as a key factor to combat the problem of unemployed graduates.

Key words: Entrepreneurship, Agriculture graduates, Change and transformation